

موج مهربانی در آستانه مهر

دانش آموزان حاشیه شهر شنیده یکی از همین ماحلاتم؛ محلاطی که ساکنانش معمولاً در قریب به دنیامی آیند، بزرگ می‌شوند و چشم و گوش بسته می‌میرند. اینجا، جایی است که بیشتر خانواده‌ها اعتقاد دارند ختر بایزد و دشوه ر کند. دخترها حرف قول و قراقره بزرگ ترها بیشان با خاله، عمودهایی نمی‌شوند و هنوز دوره بلوغ را کامل طی نکرده‌اند که راهی خانه بخت می‌شوند. دنیای پسرها کمی متفاوت تراست؛ آن‌ها کمک خرجی برای خانواده هستند. از همان شش هفت سالگی کارگری می‌کنند؛ کار پدر ملاط به خورد دیوارهایی دهند و اجر روی آجر می‌گذارند تا دیوارهای یک خانه بالابرود، و اکس می‌زنند و ضایعات و پلاستیک جمع می‌کنند، گل و قال می‌فروشند خلاصه هر کاری که لقمه‌ای نان برای سفره خالی شان بیاورد.

می‌گوید: «توی آن دنیایی بی درویکر بزرگ شدم. فکرش رانمی کردم. یک روز با این نام خودم پدر و مادرم را بینویسم و با خواندن نوشتۀ های روی درود بیوار ذوق کنم. این عبارت با یاملکه ذهن شده بود که می‌گفت مرد فقط با کار کردن بزرگ می‌شود. رفتتم و کارگریک کارگاه کفارشی شدم. درس خواندن، حق از مابهتران بود. مایندی دروز گاره‌جوری جفت و جور می‌کرد یعنی که شکم مان سیر باشد. ولی غروب که می‌شدو وقت گپ زدن با بچه‌ها، از آزوها یمان حرف می‌زدیم؛ اینکه قدر کیف دارد ماهیم یک روز قالم به دست بگیریم و بنویسیم». او هیچ وقت فکر شر رانمی کرد که این آزوی شر روزی محقق شود و یک روز پاییزی سرد بنشیند.

نشست نمکت‌های کلاس و کنار، گمام، مطبوع بخاری، حروف، اچه، داندجه کسانی، دست به دست هم دادند و نگی باشندند، وی آزو های هم سر و سال هایش.



موج مهربانی در راه است

سمانه رحیم زاده، مدیریت نمایندگی بنیاد کودک مشهد را مسیده دار است و همانند مجموعه های دیگر در جفت و جور کردن فعالیت های قرارگاه مشهد شرکت کردند. اوقل از شروع هر صحبتی می گوید: پانصد نفر در مشهد از پیش دستانی تامقطع دکتری، تحت حمایت هستند و توانی که به لحاظ اقتصادی و مالی مستقل شوند، حامی دارند. البته تاریخچه شروع فعالیت بنیاد کودک به سال ۱۳۷۳ بر می گردد که دکتر مهرداد ایشانی و احمد ایران شاهی در شیراز آن را کلید زندند و در سال ۱۳۷۸ ثبت رسمی شد ولی در حال حاضر ۴۱ نمایندگی در مرکز استان ها دارند حدود ۱۱ هزار دانش آموز بورسیه تحصیلی هستند. الذکر بخش ترین لحظات برای رحیم زاده، به عنوان فعل حوزه کودکان و دیگر همکارانش، زمانی است که کودکان و دانش آموزانی که از این چرخه خارج می شوند، در قالب همیار، حامی دانش آموزان کم بضاعت می شوند تا این چرخه متوقف نشود. او توضیح می دهد: سیستم حمایتی از دانش آموزان، به صورت بورسیه تحصیلی است که همیاران ماهیانه به حساب ان های پرداخت می کنند. البته همیاران هم در ایران و هم در کشورهایی نظیر سوئیس، آلمان، آمریکا و استرالیا فعالیت می کنند و براساس وسع و بضاعتی که دارند، حامی یک تا چند دانش آموز هستند.

مدیر نمایندگی بنیاد کودک مشهد ادامه می دهد: در این مجموعه، همیارانی داریم که حامی دانش آموز هستند. رحیم زاده می گوید: شرط حمایت مادانش آموزان مستعد و کم برخودار هستند و معمولاً از کمینه امداد امام خمینی^(*) و مدارس معرفی می شوند و اگر افرادی که معرفی می شوند، شرایط مدنظر بنیاد را داشته باشند، تحت حمایت قرار می گیرند. کودکان بازمانده از تحصیل در صورتی می توانند تحت پوشش قرار بگیرند که بیشتر از دو سال از زمان ترک تحصیلشان نگذشته باشد.

او پشت بندش توضیح می دهد: البته براساس گزارش هایی که مددکار مربوط چندبار در سال از وضعیت خانوادگی آن ها به همیاران می دهد، کمک هایشان فرق می کند و سنتگی دارد به اینکه چه نیازهایی در زمینه درمانی و معیشتی و... داشته باشند. مدیر نمایندگی بنیاد کودک مشهد صحبت هایش را با این جمله تمام می کند: منتظر پوشش زنگ مهر باشید تا هم در این مجموعه و هم در مجموعه های مشابه، شاهد موج مهربانی ای باشیم که جز با همدلی و همراهی آدم های خوب

شوق زندگی هم در میدان است

موج مهربانی در حمایت از کودکان و دانش آموزان محروم در مجتمع حمایتی و قضایی «سوق زندگی» هم جریان دارد. مدیر و تمام فعالان در حوزه قضایی هم و غمshan این است که زیرساخت های شهری دوستدار کودک را در مشهد آماده کنند. نیزه عابدین زاده، معاون دادستان مشهد و مدیر مجتمع شوق زندگی، می گوید: شاید دور از باور باشد، ولی هنوز دانش آموزان مستعد اما کم بضاعتی داریم که با خاطر نداشتن قلم و دفتر و کتاب، مدرسه را راه هایی کنند و باید این کودکان شناسایی و حمایت شوند. او ادامه می دهد: سازمان های مختلف در این زمینه دخیل هستند؛ از آموزش و پژوهش و ثبت احوال گرفته تا استانداری که وظیفه شناسایی و ثبت نام کودکان بازمانده از تحصیل را برعهده دارند و دستگاه قضایی به عنوان نهاد ناظراتی، وظیفه دارد اطمینان حاصل کند که این سازمان ها کار خود را به خوبی انجام می دهند. عابدین زاده می گوید: دغدغه نهادها و ارگان های مختلف مثل شهرداری و ورودشان به مسئله، شایسته تحسین است. اما وظیفه غالب این نهادها چیز دیگری است و بهتر است یک پایگاه دائمی و ثابت در زمینه حمایت از دانش آموزان در پایگاه هایی مثل شوق زندگی باشد که به صورت تخصصی و ویژه روی این موضوع کار کنند تا از ظرفیت های موجود، استفاده و به صورت گروهی و هماهنگ به مشکلات کودکان رسیدگی کنند. از دیدگاه او برای حل معضل بازمانده از تحصیل، نیاز به یک رویکرد جامع و چند جانبه است؛ اول شناسایی دقیق کودکان و دانش آموزان بازمانده از تحصیل که باید حداقل سه ماهه قفل از آغاز سال تحصیلی و باهمکاری سازمان های مختلف انجام شود. آگاهی بخشی به خانواده ها هم در اولویت است و کارگاه های مختلف باید در این زمینه برگزار شود و بعد از آن، وارد حوزه مالی و کمک های تحصیلی و معیشتی شویم.

زندگی خوب، حق همه است

برخی فعالان اجتماعی در بی تحقق آرزوی این کودکان بازمانده از تحصیل و نشستن آن ها پشت میزونیمکت مدرسه هستند. آن هایی که فرصت داشته اند به متن زندگی این کودکان ورود بپداشند، می دانند که نام برخی خانواده ها در لیست کمیته امداد امام خمینی^(*) و سازمان بهزیستی است، با این حال مجبورند همه، کار کنند تا چرخ زندگی شان بچرخد.

خیلی از این فعالان دمخور دانش آموزان هستند و از حسرت این بچه ها برای تحصیل تعريف می کنند و می گویند در عصر فناوری و توسعه، این آرزو عجیب و دور از باور است. جعفر شالچی به نیت حمایت از دانش آموزان مستعد و کم بضاعت، «بنیاد حرکت انسانی» را در مشهد پایه گذاری کرد. شالچی، آدم خوش فکری است که در مشهد متولد شده است و حال مقیم دانمارک است.

او با همراهی جمعی از خیراندیشان ایران و اروپا برای برا بری و برقاری عدالت در همه جوامع، آستین بالا زده اند و کار می کنند و معتقدند باید یک درصد از سود ترویشان را برای آدم های کم بضاعت و تنگست کنار بگذارند؛ به همین خاطر بنیاد حرکت انسانی را پایه گذاری کرده است که حالا عمری هشت نه ساله دارد و نزدیک به هزار دانش آموز را تحت حمایت و پوشش گرفته اند. او اعتقاد دارد داشتن یک زندگی خوب، حق هر انسانی است و از عدالت به دور است که عده ای بخواهد در فقر زندگی کنند. می گوید: در دنیا امروز که آدم ها از هم دور شده اند و هر کسی سرش گرم کار خود است، لحظه هایی که آدم ها کنار هم می ایستند، خیلی ارزشمند است و هر چیزی که از تب و تاب بیفتند، مهربانی از مدنی افتند. شالچی اعتقاد دارد پایان فقر، جهانی امن تر و مطمئن تر برای همه ما ایجاد خواهد کرد و هر قسمی که به نیت دانش آموزان کم بضاعت برداریم، می تواند صدای بلند عدالت و رحمت و کرامت باشد. او می گوید: همیشه پیشگیری بر درمان، مقدم بوده است و ماتلاش می کنیم تمام دانش آموزانی که تحت حمایت هستند، هیچ وقت از تحصیل بازنمانند که بخواهیم آن ها را به این چرخه وارد کنیم؛ به همین خاطر علاوه بر جفت و جور کردن نوشت افزار و مقدمات تحصیل، به دنبال توانمند سازی خانواده های آن ها هستیم؛ چه در حوزه مهارتی و چه در حوزه روانی. کمک های مالی و معیشتی بخشی از کار است و مهم تراز آن، توانمند سازی آن ها در حوزه های ارتباطی و اجتماعی است؛ به همین خاطر از مددکارها و کارشناس های روان شناسی کمک گرفتیم و دوره ها و کارگاه های مختلفی، هم برای دانش آموزان برگزار می کنیم و هم برای خانواده آن ها در ادامه این حکایت ادامه دارد.

آستین بالا زدن برای عدالت آموزشی

مهر زندیک است. مردمان شهر با راههای باتباد کردند که اعاشق کمک گردن هستند و آستینیں بالا می زنند تاکوکی به خاطر فقر اقتصادی از تحصیل بازمانند. خیلی از نوجوانان و حتی کودکان محبومند را تأمین هزینه های زندگی خانواده مشارکت داشته باشند. مستولان و متولیان حوزه های مختلف، ایمان دارند که دانش آموزان حاشیه شهر آن قدر مستعد و توانمند هستند که می توانند باکل شهر رقابت کنند. برقراری عدالت آموزشی، رویکردی است که غالب نهادها و تشکل های مردمی برای تحقق آن تلاش می کنند، فقط روایت و نوع آن فرق می کند. هدی ابراهیمی، معاون اجتماعی سازمان مشارکت های اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، اعتقاد دارد که نباید سامان دهی آسیب های اجتماعی رامحدود به ارگان و نهادی خاص کنیم؛ به خصوص در حوزه آموزش که حساسیت بیشتری دارد؛ فرض اینکه آموزش و پژوهش رانهاده متولی بدانیم و بقیه نهادها دست روی دست بگذارند و توقع داشته باشیم همه کارها را یک تنه این ارگان انجام دهد.

اوکه مثل خیلی های دیگر معتقد است دلیل مهم آسیب های اجتماعی، کمرنگ بودن فعالیت های آموزشی است، ادامه می دهد: کودکان بازمانده از تحصیل به عنوان یکی از چالش های اجتماعی در جوامع مختلف مطرح اند و به ویژه در مشهد، نیازمند توجه ویژه ای هستند و دلیلش راهمه می دانیم. این گروه هر اندازه از تحصیل و فضای آموزشی دور شوند، بیشتر در معرض آسیب های اجتماعی قرار می گیرند.

ابراهیمی خلاصه و کوتاه می گوید: شهرداری در کنار فعالیت های عمرانی، برنامه های فرهنگی و تربویجی هم دارد.

معاون اجتماعی سازمان مشارکت های اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد از «قرارگاه اجتماعی مشهد» یاد می کند که حدود سه سال است پاگرفته تا با هم افزایی ای که بین نهادها ایجاد می کند، حامی کودکان بازمانده از تحصیل باشد.

او تأکید می کند: همه نهادها و ارگان ها در کمرنگ گردن آسیب های اجتماعی مسئول هستند. ابراهیمی از لواز و همکاری بنياد برکت، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و دیگر نهادهای اشتغالی هستند که در «قرارگاه مشهد» به آن ها کمک می کنند تا اولاد کودکان بازمانده از تحصیل، شناسایی و پایش شوند و ثانیا تحت حمایت قرار گیرند. او ادامه می دهد: این رویکرد به ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع کمک می کند که می تواند در شناسایی و حمایت از این کودکان، مؤثر باشد. معاون اجتماعی سازمان مشارکت های اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد معتقد است: برای اینکه متوابعیم به طور مؤثری از کودکان بازمانده از تحصیل حمایت کنیم، باید فعالیت های ابا محور خانواده انجام شود. ابراهیمی می گوید: شوراهای اجتماعی محلات و تشکل ها، تأثیرگذارترین نقش را در این زمینه داشته اند، به گونه ای که با همکاری آن ها در سال گذشته، هشتصد دانش آموز بازمانده از تحصیل، شناسایی شدند و به مجموعه های آموزشی برگشتند. او از نواقص طرح اجراسده برای شناسایی کودکان بازمانده از تحصیل در سال های گذشته می گوید: متأسفانه طراحی سامانه برای ثبت دانش آموزان بازمانده از تحصیل به گونه ای نبود که آمار و اطلاعات آن ها در طول سال، قابل رصد باشد و این نقص باید اصلاح شود. ابراهیمی بیان می کند: فعلان پویش «مشهد مهریان» با شیوه های مختلف در حال اطلاع رسانی به مردم هستند، آن هم در دزو زمینه؛ هم شناسایی دانش آموزان و هم حمایت از آن ها، ولیته تلاش می شود حال وحال دانش آموزانی که در سامانه ثبت نام می شوند، به صورت دائم رصد شود و حمایت های معیشتی و درمانی شامل حاشان

یا میر اسلام؛ یا میر اخلاق

Rafrooyi Rizad Tadarjan Mardman Takrar Shod V Jahanshan Rasiyazadeh, lalda Bayid Ta'ayid Kard keh o Asuhe eft Farat az Zaman V Mekan; al-kooyi keh Ne Tehma Baray Jamme' Arab Gرفتار جاهليy, بلکه برای هر انسان در هر دوره و سرزمینی، الگویی زنده از زیست برتر انسانی است. Piyamir در جایگاه «آسُوهَ حَسَنَةً» نشان داد که انسان می تواند در عین زیستن در زمین، انسانی بیندیشید و در عین قدرت، متواضع باشد و در عین تواضع، برای احقيق حق، مقترانه عمل کند. را بهترسازی زیست امروز، تأسی به این اسوه حسن است. پیروی از پیامر اسلام^(۱) یعنی پیروی از اخلاق؛ یعنی زیستن با صداقت مهربانی، گذشت و عدالت و این همان میراثی است که اگر اسلامی آن را پاسدارد، نه تنها در میان ملت ها، بلکه در تاریخ وجودان بشیریت، صاحب جایگاه خواهد شد و در زیست انسان د جاودانه خواهد ماند.

انسانی اند. هرگاه دین از اخلاق تهی شود، به پوسته‌ای بی‌روح بدل می‌شود که همه عبادات در آن هم نمی‌تواند انسان را در عبودیت، گامی به پیش برزد. اینجاست که می‌توان راز «إنما بعثت لأنتم مكارم الأخلاق» رادرک کرد؛ یعنی هدف نهایی رسالت او، تکمیل اخلاق نیکوست. پژوهش انسان در مدار حلق عظیم است. جهان در همیشه خویش و انسان تابعیت خود، نیازمند تکرار تجربه نبیوی است. زمان و مکان نمی‌تواند اورابه حصر خویش درآورد که اودیوارها

کردنشان داده که جهانگشایی حقیقی، گشودن درهای دل و جان انسان هاست، نه تصرف سرزمین ها. درهای قلب که باز شود، در سرزمین ها هم شاهد انقلاب های خواهیم بود که پلشته و بدرفتاری و طاغوتی گری را در هم خواهند شکست.

تأمل در منهج فرقه و خوانش مؤلفه های جامعه نبوی، ثابت می کند که دین داری در نگاه پیامبر (ص)، چیزی جز التزام به اخلاق نبود. نماز، روزه، حج و سایر عبادات، همگی وسیله ای برای تعالی اخلاق و یاسداشت کرامت

پیامبر اسلام (ص) رادر طول تاریخ بیش از هر چیز به عنوان پیامبر اخلاق می شناستند. قرآن کریم او را «علیٰ خُلُقَ عَطَيْمٍ» توصیف می کند و همین تعبیر نشان می دهد که جوهره رسالت او نه در شمشیر و قدرت، بلکه در اخلاق، انسانیت و کرامت بود و تاهمیشه نبیز جنین است. آینه بیش از همه قلب انسان ها را به سوی او جذب کرد، نه شکوه ظاهري و نه ثروت و ابزار سلطنت، بلکه تیسمی صادقانه، سلامی گرم و سلوکی سرشار از همراهاني و انصاف بود.

با خوانش سلوک و سپهر اثرگذاري منش حضرت، می توان به جرئت گفت که بزرگ ترين معجزه پیامبر (ص)، بیش از هر معجزه دیگر، خود او است؛ انسانی که با زیستنی متعالی، به الگویی جاویدان برای بشر بدیل شد. اودر جهانی پر از خشونت و جاهلیت و شمشیر، پانز خوبی، مدارا و بزرگ منشی و شیرین کلامی، قلب ها رافت